

نقش صنایع دستی در کارآفرینی زنان و توسعه اقتصادی

نویسنده | زهرا پاکنژاد | در این مقاله به بررسی و شناخت عملکرد صنعت

قالی بافی در توسعه اقتصاد روستایی در منطقه وزوان (استان اصفهان)

پرداخته شده و در این راستا نقش گسترش صنایع دستی به عنوان

اقتصاد پایدار مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، اهمیت این

فعالیت و نقش آن در توسعه اقتصادی و فرصت های شغلی

ایجاد شده با الگوی اجرایی در کشورهای در حال توسعه،

مانند هندوستان و چین مطابقت داده شده است.

در این پژوهش توسعه اقتصادی در کشورهای

فوق الذکر باتکیه بر دانش و فناوری بومی و نقش

آن در فرایند توسعه، محوریت موضوع را به

خود اختصاص داده است. لذا به عنوان نمونه

فعالیت زنان روستایی بخش شمال استان

اصفهان (میمه، وزوان) در نظر گرفته شده

است. روش تحقیق در مقاله حاضر،

توصیفی-تحلیلی بوده و نحوه گردآوری

مطالب اسنادی است. تجزیه و تحلیل

نظرات و آرائه راهکارها و الگوهای

کارکردی از اهداف اصلی این پژوهش

است. نتایج حاصل نشان می دهد

که برنامه کارآفرینی این زنان در

حوضه قالی بافی موجب توسعه

اقتصاد روستایی شده و تا حدود

هشتاد درصد در توسعه و گسترش

صنایع دستی نقش مهمی را ایفا

نموده است. این روند منطبق

بر الگوهای کارکردی بوده که در

هندوستان و چین سبب بالابردن

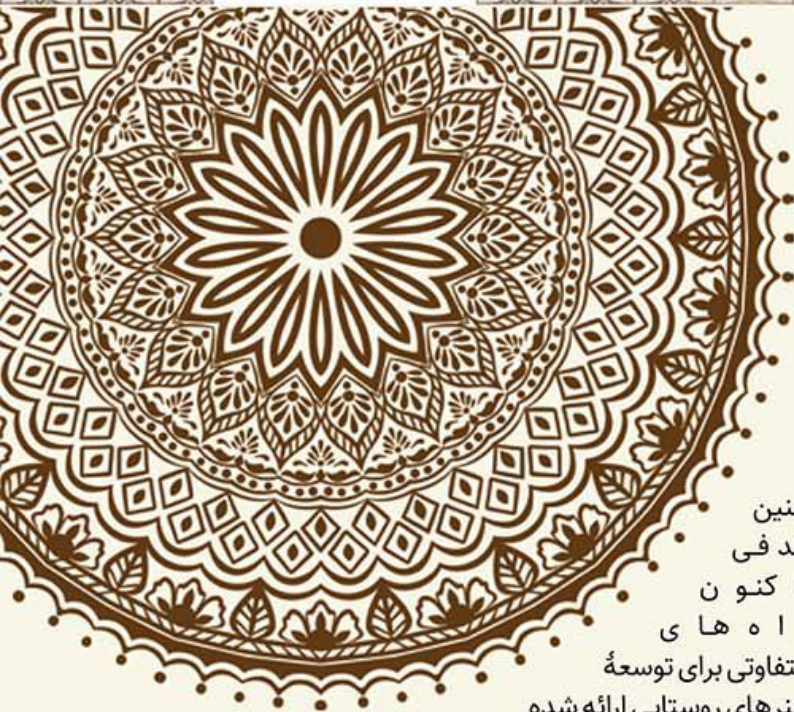
موقعیت آنها در اقتصاد جهان

شده است.

توجه به تولیدات صنایع دستی و

باتکیه بر هنرهای سنتی ایران و

خلاقیت در طراحی و نوآوری، هریک



چنین
هدی
تا کنون
راه‌های
متفاوتی برای توسعه
هنرهای روستایی ارائه شده

است که مهم‌ترین آن‌ها توجه به تولید آثار بدیع هنری است (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۵: ۱۷۶). وجود مواد اولیه به اندازه کافی برای همه بسیار مهم است؛ زیرا این تنها راه برطرف ساختن بازتاب‌های ضد تولیدی و ایجاد یک فضای مناسب جهت تولید است که از سوی دیگر فرصت‌های کاری جدیدی را نیز فراهم می‌آورد و باید به عنوان هدف اصلی در برنامه‌ریزی اقتصادی در روستاها مدنظر قرار گیرد. بدون آن، نمی‌توان سیل مردم به طرف شهرهای بزرگ را تخفیف داد تا چه رسد به اینکه از حرکت بازداشت. جمعیت زنان روستایی نقش اساسی را در تولید مواد اولیه دارند (شوماخر، ۱۳۷۲: ۱۳۵).

جهان سوم با کمبود فناوری، پایین بودن سطح آموزش و مهارت، افزایش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرها نیز، دست‌به‌گریبان است و هیچ‌یک از این مسائل نوید دورنمایی مثبت و خوش‌بینانه‌ای برای ورود به عصر فراصنعتی نمی‌دهند (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۲۰-۸۰). شوماخر در کتاب معروف «کوچک زیباست» به انبوه بیکاران و مهاجرت توده‌وار اشاره می‌کند و حاصل این تحرک جمعیت را فراگرد مسموم‌سازی متقابل می‌داند. همین‌طور در بیست سال اخیر بر نقش صنایع دستی و هنرهای بومی روستایی و آموزش زنان در تأمین اشتغال مولد و کسب امکانات تازه به عنوان یک موضوع مهم تحقیقاتی در اقتصاد توسعه مطرح و در میان سیاست‌گذاران و مؤسسات بین‌المللی اعطای کمک‌ها به صورت بحث روز درآمده است. در مجموع، این مقاله به دنبال یافتن جوابی مناسب برای سؤالات زیر است:

از هنرهای دستی و بومی اقوام گوناگون در کارآفرینی و رشد مشاغل روستایی نقشی مؤثر را ایفا می‌کند. افزایش تولیدات ماشینی و غیر اصیل تمایل و ذوق و سلیقه جامعه را به گونه‌ای به سوی تهیه و تولید صنایع دستی با طرحی اصیل و سنتی سوق داده است. توجه به اقتصاد پایدار روستایی این ظرفیت را در اختیار برخی از روستاهای دارای منابع فرهنگی و هنری به ویژه صنایع دستی و صنایع سنتی و بومی روستایی قرار می‌دهد تا با استفاده از فرصت پدیدآمده، خود برای آینده اقتصاد روستایی و توسعه روستا مشارکت و برنامه‌ریزی کنند. برای توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی، توجه به تولیدات صنایع دستی و هنرهای بومی و نوآوری در طرح‌های اصیل روستایی از راهکارهای مهم به شمار می‌رود. البته در کنار هر دلیلی برای ترویج صنایع روستایی به مثابه یک ابزار توسعه روستایی، دلیلی معکوس نیز بر ضد آن وجود دارد. به گونه‌ای که ایجاد شغل‌های فصلی و پاره‌وقت و درآمدهای پایین نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

از نظر پیتر دورند، توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت هنری بومی و صنایع دستی زنان و مردان که برای جلوگیری از فقر ضروری است. در همین راستا، تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصاد است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۱۸). در اغلب مناطق روستایی جهان، شغل اصلی روستائیان به ویژه مردان، کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیرکشاورزی هم یافت می‌شوند که زنان بخش عمده آن را تشکیل می‌دهند؛ مانند پارچه‌بافی، حصیربافی، کنف‌بافی، سوزن‌دوزی، کنده‌کاری روی چوب؛ اما آن‌ها از لحاظ اقتصادی در درجه دوم قرار دارند. در برخی مناطق، کشاورزی جنبه کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است؛ اما در مناطق دیگر بیشتر نوعی شیوه معیشت یا پیشه خانوادگی محسوب می‌شود.

بسیاری از جامعه‌شناسان روستایی بر این باورند که یکی از خصایص اصلی بخش هنرهای سنتی در جوامع کشورهای جهان سوم پایین بودن سطح تولید است و عدم آشنایی هنرمند سنتی به تولید صنایع دستی برگرفته از سلاقی بازار جهانی است.

بر اساس این عقیده، وقتی هنرمند به عوامل تولید سنتی محدود باشد، مقدار کمی به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند و این به دلیل ناتوان در به کارگیری عوامل مختلف برای تنوع بخشیدن به تولیدات هنری است. با اصلاح و خلاقیت در طرح و نقش در عین وفاداری به هنرهای سنتی ایرانی، می‌توان میزان تولید را بالا برد. برای دستیابی به



روش تمقیق

محدود جغرافیایی تحقیق، شمال غرب استان اصفهان روستای میمه وزوان است. این تحقیق از نوع توصیفی، تحلیلی و کاربردی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از موارد متنوعی همچون کتاب‌ها، مقالات، اسناد و آمار استفاده شده است. مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایشی، مطالعه اسناد و مدارک، استفاده از تجارب کشورهای موفق در توسعه پایدار بخش روستایی و کشاورزی مانند ژاپن، کره جنوبی و هندوستان، شناسایی شرکت تعاونی در بخش روستایی و کشاورزی استان اصفهان، استفاده از سایت‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتال و تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نهایت «ارائه راهکارها و الگوهای کارکردی در موضوع تحقیق»، از روش‌ها و اهداف اصلی این تحقیق است. اهمیت موضوع تحقیق، در خصوص صنعتی کردن مملکت، خواستار یک صنعت ملی و مستقل هستیم که همراه با کشاورزی در خدمت مردم قرار گیرد؛ نه یک صنعت وابسته به خارج. مردم باید سعی کنند که

۱ ضرورت ایجاد و گسترش صنایع دستی و هنرهای سنتی و بومی در کارآفرینی زنان و فناوری‌های متوسط، در توسعه اقتصادی و اشتغال پایدار در روستاهای ایران چیست؟

۲ کشف نیاز بازار داخلی و خارجی، طراحی، ایده‌پردازی و خلاقیت مدیریت، تدوین استراتژی ساخت، تولید و احیا، صنایع دستی و هنرهای فراموش شده چگونه صورت می‌پذیرد؟

۳ انجام این امر چه تأثیری در دستیابی به توسعه پایدار روستایی در کشور ایران خواهد داشت؟

۴ تجارب مفید سایر کشورها در انجام این امر چه بوده است و چگونه می‌توان از این تجارب برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی در ایران استفاده کرد؟

خانوار روستایی از مواهب صنایع دستی استفاده می‌کند تا بدین وسیله بتواند هم از اتلاف وقت خود جلوگیری کند و هم کالایی را تولید کند و در نهایت به نیازهای مصرفی خانواده خود پاسخی بدهد. صنایع دستی روستایی در واقع، مکمل فعالیت‌های زراعی و دامپروری دهقانان است



کاری در تولید صنایع روستایی نقش مهمی را ایفا می‌نماید (منشی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۶). باید برنامه‌ریزی گردشگری در سطح ملی و منطقه‌ای صورت بگیرد تا از این رهگذر، سیاست‌های توسعه گردشگری، طرح‌های مربوط به ساختار، معیارها و استاندارد ملی، امکانات، عوامل نهادی و دیگر عناصر ضروری برای توسعه و مدیریت گردشگری و صنایع دستی مدنظر قرار گیرد.

از این رو در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، تهیه برنامه‌های تفصیلی‌تر برای جاذبه‌های گردشگری، گردشگاه‌ها، شهرها و روستاها و سایر اقسام گسترش صنایع روستایی و صنایع دستی میسر است (سازمان جهانی گردشگری، ۱۳۷۹: ۱۴). بر اساس اطلاعات منتشرشده توسط سازمان جهانی گردشگری ملل متحد تا پایان سال ۲۰۰۶، گردشگری رشدی معادل ۷/۲ درصد داشته و صنایع روستایی به نسبت ۶/۴ رشد داشته است.

در هشت ماهه اول سال ۲۰۰۶ نیز باوجود ترس از درگیری‌ها و تروریسم، رشد گردشگری در جهان معادل ۴/۵ درصد و تولید صنایع دستی ۳/۸ درصد بوده است (خبرگزاری میراث فرهنگی: ۱۳۸۵). کارشناسان صنعت گردشگری بر این باورند که از نظر ظرفیت‌های برنامه‌ریز صنعت گردشگری، ایران جزو ده کشور جهان به شمار می‌رود، درحالی‌که سهم ایران از درآمد بازارهای بین‌الملل صنعت گردشگری و صنایع دستی بسیار اندک است.

با اندکی تعمق، می‌توان به این حقیقت پی برد که صنعت گردشگری و تولیدات صنایع روستایی و صنایع دستی در ایران، چنان‌که باید و شاید، در تولید درآمد و بهبود شرایط اقتصادی ملی و ناحیه‌های موفق نبوده است (حیدری چپانه: ۱۳۸۳، ۳۲۱-۳۹۵)

در بخش کشاورزی و صنایع کوچک فعال باشند و توجه به صنایع بزرگ باعث نشود که صنایع کوچک هم از بین برود (اکبری، ۱۳۷۸: ۲۹). استقلال و عدم وابستگی باید در سطح پایین و زیرین آغاز شود و در صورتی که هر روستا خودکفا و قادر به مدیریت امورات خود شود، آن به دست می‌آید (ماهاتما گاندی).

اگر بتوانیم نظر مقامات و مردم را از پروژه‌های عظیم دور کنیم و توجه آن‌ها را به نیازهای واقعی فقرا جلب کنیم، قادریم در مبارزه پیروز شویم (ای. اف. شوماخر). کوچک زیباست. نقل شده در: رابرت چمبرز. ۱۳۸۱: ۶۷). نقش گردشگری در تولیدات صنایع دستی و توسعه روستایی امروزه رشد جمعیت در مناطق روستایی، بدون سرمایه‌گذاری نظام‌مند برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و متنوع سازی آن‌ها، به گسترش بیش از حد فعالیت‌های تولیدی و متکی بر منابع طبیعی انجامیده و این گسترش ناپایدار نیز به گونه‌ای محسوس به تخریب فزاینده منابع طبیعی موجود منجر شده است.

گذشته از این پیامد منفی، با میزان پایین بهره‌وری نیروی کار و حذف زنان به عنوان نیروی کار در نتیجه ماشین‌شدن نامناسب، میزان بالای بیکاری (پنهان و آشکار) در بخش تولیدات روستایی و گسترش فناوری سرمایه‌بر، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از طریق گسترش کارکردهای متکی بر منابع طبیعی در پاسخ به خیل عظیم بیکاران روستایی که بی‌بهره از سرمایه و مهارت لازم، ناگزیر با مهاجرت به کلان‌شهرها حاشیه‌نشینی را گسترش می‌دهند تا حدی غیرممکن شده است (حیدری چپانه، ۱۳۸۳: ۲۳) در جهان پرتلاطم کنونی، روستاها به کانون تردد انسان‌هایی بدل شده‌اند که برای فرار از زندگی پرهیاهوی شهری و زندگی ماشینی به روستاها سفر می‌کنند. امروزه با توجه به دامنه تقاضا و نیازهای محیط‌های روستایی، گردشگری روستایی رو به توسعه است و روز به روز بر اهمیت و جاذبه خاص آن افزوده می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات اجتماعی منطقه‌ای به حساب آورد و زنان به عنوان نیروهای



زراعی را تأیید می‌کنند. یکی از مقالات مستدل طبیعت‌گردی، این واژه توسط سبالوس السکورین ابداع شده است. او در تعریف واژه طبیعت‌گردی چنین می‌گوید: طبیعت‌گردی بکر و دست‌نخورده سفری است به مناطق طبیعی نسبتاً با هدف مطالعه، تحسین و لذت‌بردن از مناظر، جانوران، گیاهان وحشی منطقه و هرگونه آثار فرهنگی گذشته و معاصر که در این مناطق یافت می‌شود. گرچه اکوتوریسم یک راهبرد توسعه اقتصادی بادوام را برای مناطق روستایی و منابع طبیعی ارائه می‌دهد؛ اما نیاز به مدیریت قوی و دقیق دارد، زیرا چه بسا گاهی نیز مردم را به رقابت برخلاف منابع طبیعی وا می‌دارد.

بنابراین، گردشگری روستایی واقعاً به یک ناحیه عمده جدید برای تقاضای گردشگری تبدیل شده و از سوی همه سیاستمداران مورد موافقت جدی قرار گرفته است که در این زمینه، پیگیری‌هایی نیز صورت می‌گیرد. از حدود بیست سال پیش، مفهوم گردشگری پایدار (در نتیجه افزایش بحث‌های مقابله با نبود مدیریت گردشگری) مطرح شده است.

به نظر می‌رسد که گردشگری پایدار در مناطق توریستی نتیجه رابطه‌ای سه‌گانه میان مناطق گردشگری، مردم و محل سکونت آن‌ها، مسافرت‌ها و صنعت گردشگری باشد و آموزش صنایع روستایی و صنایع دستی بخش عمده آن را شکل می‌بخشد. در این زمینه دهیاری بخش بلخار و میمه اصفهان برای مناطق تحت پوشش خود به کمک جهاد کشاورزی و جهاد سازندگی و میراث فرهنگی مبادرت به برگزاری کلاس‌های آموزشی نمود. هدف از این آموزش‌ها جلب منابع اقتصادی، تولید صنایع دستی و تولیدات بومی روستایی بود. نتایج حاصل از آموزش در جدول زیر تدوین و تنظیم شد که در آن سهم زنان روستایی در بخش‌های آموزشی ۸۳ درصد از کل مجموع بود.

جدول ۱ مهر اصالت یونسکو سال ۲۰۰۷ تاجیکستان

ردیف	نام کشور	تعداد آثار ارثه شده	تعداد آثار تأیید شده
۱	ایران	۱۹	۶
۲	قزاقستان	۸	۲
۳	قرقیزستان	۴۵	۱۶
۴	تاجیکستان	۱۰	۲
۵	ازبکستان	۲۸	۱۱
۶	ترکمنستان	۷	-
	جمع	۱۱۷	۳۷

در گذشته، صنعت گردشگری بر این رابطه سه‌گانه غلبه داشت، اهداف گردشگری پایدار برای تطبیق و تعادل بحران‌های این سه بخش ایجاد شده است و چنین تعادلی را در مدت‌زمان طولانی حفظ می‌کند. در واقع گردشگری

اصطلاح «گردشگری روستایی» در کشورهای مختلف دارای معانی متفاوتی است. برای مثال در فنلاند، اغلب به معنی اجاره دادن خانه‌های روستایی به گردشگران و تدارک مواد غذایی در روستاهاست؛ در مجارستان، اصطلاحی ویژه برای روستاهای توریستی وجود دارد که فقط به فعالیت‌ها و خدمات تدارک دیده شده در روستاها اشاره می‌کند و در واقع، حاکی از نوعی گردشگری ارزان در آنجا و درگیر شدن در کشاورزی یا فعالیت‌های محلی دیگری است که چندان برای گردشگر معمول نیست. در اسلوونی بخش مهمی از گردشگری روستایی را گردشگری با خانواده مزرعه‌داران تشکیل می‌دهد که در آن، گردشگران در کنار خانواده کشاورزان یا در اتاقی مجزا اقامت می‌کنند.

علاوه بر این، دیدار از مزارع و گردش و صرف غذا در درون مزارع نیز معروف است. در هلند گردشگری روستایی به معنی چادر زدن در مزرعه است و در مسیر مجاور مزارع، با فعالیت‌هایی نظیر قایق‌سواری، پیاده‌روی یا اسب‌سواری پیوند یافته است. در یونان شرط اصلی گردشگری روستایی عبارت است از تدارک صبحانه و رختخواب با اتاق‌های دارای لوازم زندگی متعارف و پذیرایی با صبحانه‌های متداول که اغلب از محصولات خانگی تهیه می‌شوند، در ژاپن شرایط گردشگری آشنایی با تولید صنایع دستی و مشارکت گردشگران در گردشگری زراعی آن است و اکوتوریسم نیز زیرمجموعه‌های گردشگری روستایی محسوب می‌شوند.

رندل و بازبی گردشگری زراعی را زیر مجموع گردشگری روستایی تعریف می‌کنند و بر این باورند که گردشگری روستایی مبتنی بر محیط روستاست؛ اما گردشگری زراعی بر پایه مزرعه و کشاورزی استوار است و میان این دو ارتباطی سست و ضعیف وجود دارد. به نظر می‌رسد که بسیاری از بررسی‌ها نقش مزرعه و کشاورز مبنی بر زمینه‌سازی گردشگری

“

در ایران تاکنون بیش از ۳۵۶ روستا، هدف گردشگری تعیین شده و سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری مسئول تدوین و تهیه اطلاعات و آگاهی‌های لازم از ویژگی‌های این روستاها شده است



مطابق با موارد زیر باشد:

تقویت فرهنگ و خصوصیات جوامع میزبان؛ تقویت چشم اندازها و سکونتگاه‌ها؛ تقویت اقتصاد روستا؛ افزایش کیفیت صنایع روستایی و صنایع دستی تقویت صنعت گردشگری که برای مدت زمان طولانی دوام داشته باشد؛ افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات در رابطه با گردشگری که در صورت عدم تداوم درازمدت آن بر اثر گوناگونی فعالیت‌های اقتصادی در روستا، خطرانی را در پی دارد و ایجاد برنامه‌های گردشگری پایدار که بر اساس یک محدوده گسترده از تحلیل‌های منطقه‌ای و بیشتر تاریخی استوار باشد. شناخت تاریخ، هنر و فرهنگ و صنایع دستی بومی منطقه از ضروریات به شمار می‌آید (هنگان، ۸). در هندوستان و چین گردشگری با آموزش هنر روستایی و صنایع دستی بومی همراه است و گردشگران در سیستم آموزش هنر و فرهنگ و تولید صنایع روستایی و صنایع دستی مشارکت می‌نمایند. مفاهیم اولیه گردشگری پایدار اولین بار توسط جان کریپندورف و دیگران در ۱۹۸۰ بیان شد و از آن پس در مکان‌های بسیاری تمرین و آزمایش شده که نشانه‌های آن موارد زیر است:

تحلیل از نیازهای اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ تحلیل از ظرفیت‌های گردشگری و محدودیت‌های توسعه آن در آینده؛ استفاده از گردشگری به مثابه ابزاری برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ ارزیابی قوی از مشارکت محلی در فرایند تهیه برنامه و تصمیم‌گیری برای تداوم آن؛ مدنظر قرار دادن ظرفیت‌های گردشگری و نوع و مقیاس

پایدار به سمت کاهش خطرات فرهنگی و محیطی، رضایت گردشگران و افزایش رشد اقتصادی برای مدت زمان طولانی و حفظ تعادل بین ظرفیت رشد گردشگری و آموزش‌های متقابل فرهنگی، هنری و حرفه‌ای استوار شده و بر حفظ ضرورت‌های زیست محیطی در منطقه گرایش دارد. در ایران رعایت اصول و قوانین اسلامی، اصالت طرح و نقش در هنرهای سنتی و پایبندی به هنرهای اصیل اسلامی از شروط اساسی به شمار می‌رود.

جدول ۲

ردیف	نام محصول	نام سازنده	استان	میانگین مکتسبه
۱	گلیم ورنی	آقای محمد آقایی	آذربایجان شرقی	۳/۶۰
۲	جعبه خاتم	آقای گلریز خاتمی	فارس	۳/۵۶
۳	تسبیح چوبی نقره کوب	آقای رضا نظامی پور	آذربایجان شرقی	۳/۵۲
۴	گلیم قشقایی	خانم فاطمه محمدی کشکولی	فارس	۳/۳۲
۵	رومیزی قلم کار	آقای علیرضا بطلانی	اصفهان	۳/۲۸
۶	ظرف ملیله نقره کاری	مجید محرر	زنجان	۳/۱۶

مفهوم پایدار در گردشگری روستایی با پیگیری اهدافی چندگانه امکان تحقق خواهد داشت و نباید فقط بر پایه محافظت از منابع طبیعی استوار باشد. اهداف موردنظر باید

گردشگری محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). زنان روستای میمه و وزوان اصفهان با مشارکت جهاد سازندگی، میراث فرهنگی و استانداری اصفهان توانستند در هنر قالی بافی به دستاوردهایی چشمگیر دست یابند. ایشان در بخش تولید مواد اولیه بومی و مرغوب، خلاقیت در ارائه طرح‌هایی سنتی اصیل ایرانی، مانند زیرانداز، آویز، چمدان و ساک‌های مسافرتی، در جذب گردشگر و توسعه اقتصاد پایدار و رفع بیکاری الگوهای تازه‌ای ارائه نمودند. ایشان پس از آموزش‌های عمومی و کسب مهارت‌های اقتصادی، اجتماعی، زبان‌آموزی در آموزش‌های تخصصی مانند آشنایی با بازار جهانی و جمع‌آوری اطلاعات از سطح سلیقه متقاضیان سطح بالاتری از آموزش‌ها را یافتند. در این بخش از آموزش‌ها، کارگران ساده از کارگران ماهر و صاحب مدارک دانشگاهی جداسازی شدند.

جدول ۴

ردیف	نوع	درصد	کشور
۱	منسوجات	۲۷٪	قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ایران
۲	الیاف طبیعی	-	
۳	سفال و سرامیک	۲٪	تاجیکستان، ازبکستان
۴	چوب	۵٪	ایران، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان
۵	سنگ	-	
۶	فلز	۲٪	قزاقستان، ایران
۷	سایر	۱٪	تاجیکستان

آماري از میزان تحصیلات زنان روستای میمه و وزوان اصفهان در سال ۱۳۷۸ تولید و توسط جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی ارائه شده است. در بررسی سطح تحصیلات اعضای تعاونی‌ها مشخص شد که این روستاها با بیشترین فراوانی، دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. جاذبه‌ها، امکانات و قابلیت‌های توسعه گردشگری در نواحی روستایی کشور ما بسیار متنوع و گسترده است؛ با این همه، تاکنون این جاذبه‌ها چندان شناخته و معرفی نشده و بهره‌برداری‌های لازم از آن‌ها به عمل نیامده است. در ایران تاکنون بیش از ۳۵۶ روستای هدف گردشگری تعیین شده و سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری مسئول تدوین و تهیه اطلاعات و آگاهی‌های لازم از ویژگی‌های این روستاها شده است. مطالعات گوناگون نشان داده است که ورود گردشگران شهری به جامعه روستایی بروز سلسله کشمکش‌هایی میان دو شیوه زندگی و نبودن امکان ادغام یکی در دیگری را موجب شده است (النکوار، ۱۳۸۱: ۹۱). نتون نیز روشن کرده است که گردشگری در یک جامعه



توسعه آن؛ استقرار فرصت‌ها و راهبردهای بازاری برحسب راهبردهای گردشگری پایدار، برنامه‌های آموزشی برای بازار و مشاغل؛ بیمه و تأکید بر ضرورت حمایت از کشاورزان و راهبردهای طولانی (پنج تا ده ساله برای سازگار شدن) البته برای داشتن کارایی، باید فهرستی از اولویت‌ها و برنامه کاری یک ساله حداقل در طول سه سال داشته باشیم (هنگان، ۲۰۱۲). امروزه گردشگری روستایی از مردمی‌ترین اشکال

راهنمایی دبیرستان دانشگاهی به آموزش روستاییان به خصوص زنان پرداختند.

در این خصوص کشورهای نظیر چین، هندوستان، کره جنوبی و اندونزی نسبت به دیگر کشورها اهمیت و اولویت بیشتری را برای صنایع کوچک و روستایی قائل شدند؛ ولی با وجود توجه کشورهای در حال توسعه طی چند دهه گذشته به صنایع روستایی، هنوز هم بعضی از این کشورها در مورد صنعتی سازی روستاها و شناخت شناسی مفهوم صنایع روستایی با چالش مواجه هستند. ایران نیز پس از انقلاب اسلامی و طی دو دهه گذشته از طریق وزارت جهاد سازندگی، مقوله صنایع روستایی را بیش از گذشته با ترسیم اهداف زیر مورد توجه قرار داده است:

الف) کمک به عمران و توسعه پایدار روستاها برای بهبود وضع اقتصادی اجتماعی روستائینان از طریق آموزش مهارت های صنایع دستی به زنان از طریق

- ۱ جلب مشارکت مردم در سرمایه گذاری برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک و دستی)
- ۲ فراهم کردن زمینه های اشتغال زنان و افزایش درآمد برای روستائینان و تحقق عدالت اجتماعی
- ۳ زمینه سازی برای بهره برداری بهینه از امکانات و قابلیت های مناطق روستایی برای تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی زنان در این مناطق
- ۴ ارتقای دانش فنی و مهارت زنان روستایی و افزایش بهره وری نیروی کار ایشان
- ۵ پشتیبانی از فعالیت های بخش کشاورزی و صنایع وابسته و مشارکت بیشتر زنان در این بخش.

روستای وزوان با الگو قرار دادن اهداف دو دهه گذشته وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی توانست در تولید صنایع دستی به ویژه هنر قالی بافی نه تنها به بهبود وضع اقتصادی روستا بلکه به توسعه پایدار آن نیز دست یابد. زنان روستا با جلب مشارکت در سرمایه گذاری اندک برای ایجاد توسعه صنایع دستی و کوچک خود قدم برداشتند و با این کار در واقع زمینه های اشتغال زایی برای افراد بیشتر را فراهم آوردند. به این ترتیب امکانات و قابلیت های منطقه روستایی و تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و هنری نیز بیش از پیش به وجود آمد. کسب مهارت کلاس های آموزشی و افزایش دانش فنی، هنری و تخصصی زنان جهت

گروه های انسانی متفاوت را به بازشناسی و مقایسه وامی دارد؛ بنابراین، طبقات بالاتر مردم می توانند در زندگی گردشگران مشارکت داشته باشند؛ اما به دلایل سیاسی- اجتماعی، به ویژه در جوامع کشاورزی، ترجیح می دهند در محیط خود زندگی کنند. در زمینه ارتباط بین گردشگری و توسعه روستایی سه دیدگاه مطرح است.

دیدگاه اول گردشگری را به مثابه راهبردی برای توسعه روستایی به کار می گیرد. در دیدگاه دوم، گردشگری به مثابه سیاستی برای باز ساخت سکونت های روستایی مورد توجه قرار می گیرد. در دیدگاه سوم، گردشگری روستایی به مثابه ابزاری برای توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی، افزایش کیفیت صنایع روستایی و صنایع دستی مطرح است؛ این دیدگاه خواهان رشد بلندمدت گردشگری بدون آثار مخرب بر زیست بوم های طبیعی و فرهنگ های بومی و منطقه ای است (رضوانی و صفایی: ۱۳۸۴).

برخی عوامل کاهش آثار گردشگری روستایی به مثابه ابزاری برای توسعه روستایی عبارت اند از: تعداد محدود سرمایه گذاران در مناطق روستایی، بعضی سرمایه گذاری های حفاظت از منابع طبیعی و صنایع روستایی؛ کوچک بودن مقیاس و گوناگونی منابع طبیعی در آن مناطق روستایی که تعداد سرمایه گذاران انگشت شمار است؛ ناقص بودن بازار و تهیه کردن محصول؛ فقدان سیاستی برای مدیریت توسعه و بازار گردشگری روستایی (هنگان، ۲۰۰۲).

روستای میمه و وزوان با مشارکت زنان تحصیل کرده دانشگاهی و آشنا به هنر قالی بافی توانست با بازنگری طرح و نقش در قالی های سنتی منطقه و احیاء و بازآفرینی همراه با خلاقیت در رنگ آمیزی، همچنین تولید مواد اولیه مرغوب در روستا به اقتصاد پایدار دست یابد. از سوی دیگر تا پایان سال ۱۳۸۵ به بعضی از آثار شهرنشینی غلبه یابد و در حفظ محیط روستایی و بافت سنتی آن نیز موفق شود.

نگاهی به (راهبردهای اقتصادی روستاها) در فرایند توسعه

امروزه واژه صنایع روستایی و صنعتی شدن روستاها در ادبیات برنامه ریزی توسعه در کشورهای مختلف دنیا، از جمله کشورهای در حال توسعه نظیر چین، هندوستان، مالزی، مصر و... از جایگاه ویژه برخوردار بوده و این مقوله سهم چشمگیری در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود معیشت روستائینان، به ویژه زنان روستایی ایفا می کند. تا قبل از دهه ۱۹۵۰ به صنایع کوچک و روستایی توجه چندانی نمی شد؛ اما در دهه ۵۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای مقابله با بیکاری و فقر، برنامه ریزی وسیعی را برای گسترش این صنایع به عمل آوردند و سوادآموزی دبستان



بهره‌وری نیروی کار ایشان نیز روبه‌فزونی نهاد. طبق گزارش‌ها جهاد سازندگی میزان سطح آگاهی زنان روستایی و زوان از صنایع دستی تا هشتادوپنج درصد تا سال ۱۳۸۵ بر میزان صادرات ایشان مؤثر بوده است.

(ب) تولید و تأمین بخشی از کالاهای موردنیاز کشور از طریق تولیدات صنایع دستی زنان روستایی

(ج) کمک به افزایش صادرات غیرنفتی با محوریت تولید روستایی و صنایع دستی

وزارت جهاد سازندگی اقدامات و عملکرد چشمگیری در خصوص صنایع روستایی داشته که به‌صورت خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. برای تحقق این اهداف، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری از بدو تأسیس تا پایان نیمه اول ۱۳۷۹ نسبت به صدور ۱۲۸۱۹ فقره مجوز تأسیس با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری ۷۲۵۸ میلیارد ریال و میزان اشتغال ۱۷۲۵۷۲ نفر اقدام کرد. از این تعداد ۴۵۹۲ طرح با سرمایه‌گذاری ثابت ۱۵۸۲ میلیارد ریال و ایجاد اشتغال ۵۳۹۸۳ نفر از زنان روستایی به مرحله تولید و بهره‌برداری رسیده‌اند (انتظاری، ۱۳۸۵: ۱۶۴). علاوه بر این، به‌منظور اصلاح خطوط تولید و بهسازی کارگاه‌های صنایع دستی و روستایی و صنعتی موجود روستایی و بهداشتی کردن آن‌ها و بهره‌مندی از تسهیلات بانکی و نیز نظارت و ارائه خدمات موردنیاز به این کارگاه‌ها با هدف افزایش کمی و کیفی تولیدات آن‌ها بالغ بر ۳۶۰۰۰ فقره مجوز کارت شناسایی صادر و برای تثبیت اشتغال ۳۶۰۰۰ نفر زن اقدامات لازم صورت پذیرفته است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

همچنین برای ارائه خدمات زیربنایی صنعتی، صنایع روستایی و دستی و ترغیب سرمایه‌گذاران و جلوگیری از تعرض به زمین‌های کشاورزی و رعایت موازین زیست‌محیطی، فرهنگی و هنری و صرفه‌جویی در هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقدام به مطالعه و احداث ۱۷۰ ناحیه صنعتی و کارگاه صنایع دستی روستایی شده که از این تعداد ۹۰ ناحیه به مرحله بهره‌برداری رسیده است و در

این نواحی ۳۴۹۰ واحد تولیدی قابل استقرار بوده که زمینه اشتغال ۲۰۱۲۰ نفر زن روستایی را فراهم خواهد کرد. ایران نیز با وجود توجهات و این اقدامات، در خصوص صنعتی‌شدن روستاها و شناخت مفهوم صنایع دستی و صنایع روستایی با چالش روبه‌روست.

صنایع روستایی کشورهای در حال توسعه شامل دو بخش عمده است:

بخش اول: صنایع دستی

صنایع دستی در روستاهای کشورهای در حال توسعه قدمت بسیاری دارد و از دیرباز روستاییان به آن مشغول بوده‌اند و

هنوز هم گروه
کثیری از روستاییان از
این راه امرار معاش می‌کنند.

این صنایع در وضعیت متضادی

قرار دارند. از یک طرف رشته‌هایی از آن

مانند شال‌بافی، گیوه‌دوزی و سفالگری زیر ضربات

وارده از تولید انبوه ماشینی شهری در حال اضمحلال هستند،

در حالی که دست‌های دیگر چون قالی‌بافی به علت تمایلات

افراد شهری و غربی به ابتیاع آن، در حال شکوفایی هستند.

بخش دوم) صنایع روستایی شامل صنایع کوچک است

که در واقع، تأمین‌کننده نیازهای کشاورزی، دامپروری

و مکمل و زمینه‌ساز خودکفایی روستایی است. این

بخش از صنایع روستایی به دلیل ناتوانی در رقابت با

کالاهای ساخت شهری در بسیاری از روستاهای کشورهای

در حال توسعه از بین رفته است و امروز خیل بی‌شماری از

روستاییان را حاضر در بازارهای شهری برای تأمین مایحتاج

تولیدی خود می‌بینیم. وسایل تولیدی که سرمایه‌بر،

پیچیده، پردامنه، متمرکز، منبع بر، منبع تلف‌کن و

وابسته به منابع غیر محلی است، دارای آثار اجتماعی

جبران‌ناپذیری است. این فناوری‌های علمی-صنعتی،

مردم را از اشتغال برانداخته و آن‌ها را نسبت به جامعه

بیگانه می‌کند.



و دامپروری دهقانان است. این بخش از فعالیت تولیدی که کار زنان و کودکان است، جنبه تولید خانوادگی دارد و بر تولید افزارمندی مبتنی نیست. از این رو، بیشتر به مصرف خانوارهای روستایی می‌رسد و تنها مازاد آن به بازار عرضه می‌شود. نوع صنایع دستی و روستایی تابع محیط جغرافیایی و طبیعی است؛ زیرا این محیط است که مواد اولیه صنایع را در اختیار مردم قرار می‌دهد. از سوی دیگر، توسعه صنایع دستی حرف‌های در مناطق مختلف کشور تحت تأثیر توزیع منطقه‌ای میزان بارندگی و مقدار آب منطقه قرار دارد. از این رو، هرکجا میزان بارندگی کم است، صنعت دستی حرف‌های در آن رواج بیشتری داشته است. درآمد روستاییان از محل صنایع دستی در همه‌جای ایران یکسان نیست، بلکه در برخی از مناطق کمتر و در جای دیگر بیشتر است. چنانچه در پاره‌ای از مناطق روستایی درآمد اصلی خانوارهای دهقانی تنها از قالی‌بافی یا پارچه‌بافی تأمین می‌شود و در مقابل، مناطق دیگری نیز وجود دارد که سهم درآمد حاصل از صنایع دستی آن‌ها، در درآمد کل روستاییان ناچیز است. برخی از صنایع دستی رایج در ایران به دلیل نفوذ پول و بازار در مناطق روستایی و شرایط جامعه در حال گذار ایران، به تدریج وسعت، نقش و اهمیت خود را از دست داده‌اند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از قالی، گلیم، جاجیم، عبا‌بافی، زیلو، گیوه، سفال، سبد، جوراب، شال، گلابتون، پوستین، صابون، شمع، عرقچین و... (تقوی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). عدم تغییر طرح یک محصول و حفظ اصالت‌های موجود در آن در مواردی به عنوان یک ارزش تلقی می‌گردد و اما در مقابل امواج مدرنیته، تولید محصولات صنایع دستی به عقب رانده می‌شوند و درگذشت زمان تبدیل به عامل افول، رکود و متروک ماندن این محصولات خواهند شد. توجه به تنوع طرح، نقش و فرم در تولید محصولات صنایع دستی با حفظ میراث فرهنگی اصیل و کهن و اصول طراحی سنتی در ضروریات این مهم به شمار می‌رود.

این فناوری‌ها به لحاظ محیطی مخرب بوده و در نهایت سبک زندگی ایشان را دچار اختلال می‌کنند. در مقابل، فناوری مناسب یک جنبش اجتماعی است و باید به عنوان یک جنبش شناخته شود. در حقیقت فناوری مناسب، کوششی برای به تحرک درآوردن کنش جمعی برای تعهد و تحول است؛ اما مناسب بودن این فناوری از محیطی به محیط دیگر متفاوت است؛ زیرا هر محیطی دارای شرایط اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی و سیاسی خاص خود است که نظام ارزش‌های آن جامعه را معین می‌کند (لهسایی زاده، ۱۳۷۹ و ۱۳۶۵).

صنایع دستی (روستایی)

منظور از صنایع دستی روستایی آن نوع از صنایع ساده و بدون پیچیدگی فنی است که در روستا منبع درآمد و شغل تکمیلی محسوب می‌شود و روستاییان در مواقع بیکاری فصلی بدان می‌پردازند. خانوار روستایی از مواهب صنایع دستی استفاده می‌کند تا بدین وسیله بتواند هم از اتلاف وقت خود جلوگیری کند و هم کالایی را تولید کند و در نهایت به نیازهای مصرفی خانواده خود پاسخی بدهد. صنایع دستی روستایی در واقع، مکمل فعالیت‌های زراعی

۱ به لحاظ اقتصادی و تجارت جهانی محصولات صنایع دستی ایران در بازار رقابت‌ها از سایر کشورها عقب مانده و در بازارهای داخلی نیز دچار مشکلات اقتصادی و رکود شده است.

۲ با نبود توجه کافی به جنبه‌های کاربردی و کارکردی صنایع دستی مانند عدم دوام و استحکام، استفاده از مواد اولیه نامرغوب، استفاده از کارگران غیرحرفه‌ای و فاقد مهارت‌های لازم، محصولات صنایع دستی جنبه صرفاً تزئینی یافته است.



۳ از لحاظ فرهنگی صنایع دستی ایران دارای جایگاه رفیع و والایی در فرهنگ و هنر ایران و جهان است و از شاخصه‌های بارز فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی شناخته می‌شود.

۴ عدم‌آشنایی با طراحی در هنرهای سنتی ایرانی، عدم‌توجه به وجود استادکاران در سطوح دانشگاهی، مدرک‌گرایی در سطوح مختلف آموزشی و در نهایت ضعف در طراحی و ایده‌پردازی و خلاقیت، موجبات عدم‌دستیابی به اهداف موردنظر در تولید محصولات صنایع دستی را بیش‌ازپیش فراهم آورده است.

۵ رویکردها و دیدگاه‌های جهانی، نشان‌دهنده تغییر در نحوه نگرش به صنایع دستی و ارتباط آن با هنر و طراحی شده است. تعامل بین هنر، طراحی و صنایع دستی در حال حاضر در حوزه‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جدیدی از تعامل بین طراحی، هنر و صنایع دستی ایجاد و معرفی شده است (استیونس ۹، ۲۰۰۶: ۱۱). در جامعه آماری مورد تحقیق روستای میمه و وزوان استان اصفهان با آموزش‌های مستمر زنان تحصیل کرده و اطلاع‌رسانی به ایشان توسط جهاد سازندگی بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و آشنایی آنان با بازار جهانی از طریق سایت‌های اینترنتی و جمع‌آوری طراح‌ها و نقشه‌های قالی در مناطق موردنظر فعالیت‌هایی جهت بررسی اطلاعات در حیطه‌های زیر به انجام رسید:

بررسی نیازها

- بررسی رابطه انسان با محصول
- بررسی رابطه محصول با محیط
- بررسی توسعه تاریخی نمونه‌های مشابه
- بررسی طرح‌ها و نقوش مشابه
- بررسی رابطه محصول با سایر اشیاء مرتبط
- بررسی مواد و روش‌های ساخت
- نقش زنان روستایی در کارآفرینی

درباره کارآفرینی و فرد کارآفرین تعریف مشترکی که مورد اتفاق نظر همگان باشد، وجود ندارد؛ اما می‌توان تعریف زیر را ارائه داد: کارآفرین کسی است که فرصت‌ها را تشخیص می‌دهد، منابع موردنیاز را جمع‌آوری می‌کند، طراحی و اجرای نقش‌های عملی را به عهده می‌گیرد و نتایج به دست آمده را به موقع و با روشی منعطف جمع‌آوری می‌کند. نوآوری و ابداع عمده‌ترین خصوصیت کارآفرینی است. زنان روستایی ۵۰ درصد جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند؛ از این رو نقش آنان در کارآفرینی نیز به این نسبت خواهد بود: در تقسیم‌بندی منابع گردشگری، کارآفرینی جزء منابع

کمیاب محسوب می‌شود و اغلب به اشتباه، یکی از آثار گردشگری کارآفرینی یاد می‌شود، در صورتی که کارآفرینی مفهومی وسیع‌تر و حتی محرکه صنعت گردشگری است و بر آن تأثیر می‌گذارد. تا آنجا که در آیین‌نامه جهانی اخلاقیات در گردشگری ۱۰ اصل بیان شده است که در اصل دهم آن بر رعایت حقوق کارآفرینان و کارگران در این صنعت و بر دسترسی رایگان کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، به خصوص در زمینه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط، به بخش گردشگری با محدودیت‌های اجرایی یا حقوقی اندک تأکید شده است. صنایع روستایی و صنایع دستی دارای مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی ناشی از وجود کارآفرینی پایدار در صنایع کوچک و صنایع دستی روستایی

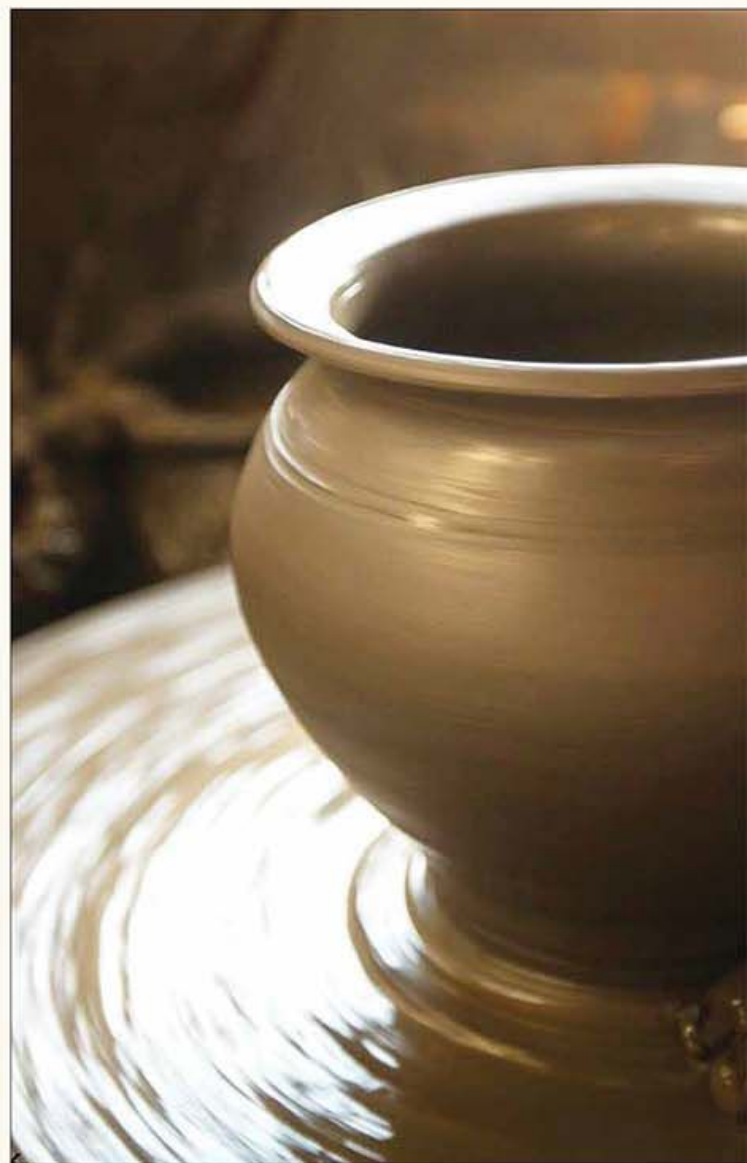
یافت. در نتیجه تقاضای جهانی برای خرید صنایع دستی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. از طرفی بحران‌هایی همچون مصیبت‌های طبیعی مثل طوفان، سیل، زلزله، تکرار وقایع تروریستی، تنش‌های سیاسی و آشفتگی‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی نیز بر صنایع دستی و روستایی تأثیر می‌گذارد. مسئولان جهاد سازندگی با مشارکت زنان تحصیل کرده روستایی میمه و وزوان با درک شرایط جهان معاصر و موقعیت صنایع دستی ایران برای جلب مشتریان در بازارهای داخلی و خارجی مسائل مهمی را تحت عناوین زیر مدنظر قرار دادند

۱. طراحی خوب برگرفته از هنرهای سنتی و اصیل ایرانی؛ ۲. کیفیت مطلوب و مرغوب محصول؛ ۳. توجه به فرهنگ و هنر اسلامی- ایرانی

از این رو تولید محصولات صنایع دستی اصیل، خوشایند و کارآمد می‌توانند چشم‌انداز و انتظارات انسان امروزی را در سبک زندگی متحول نموده و ارتقا بخشند. همچنین در مقوله معرفی و به کار بردن و جایگزین نمودن مواد جدید و یا در به کارگیری فناوری‌های نو و ارتقای خط تولید و روش‌های نوین ساخت نقش دانش فنی غیرقابل انکار است. استفاده از مواد مرغوب و متنوع بر زیبایی محصولات می‌تواند مؤثر باشد و توان رقابتی آن‌ها را در بازارهای داخلی و خارجی افزایش می‌دهد که زنان کارآفرین میمه و وزوان استان اصفهان این الگورا در تهیه مواد اولیه مدنظر قرار دادند.

نتیجه

تمام استان اصفهان و قسمت وسیعی از ایران (حدود هشتاد درصد وسعت ایران) اقلیم و آب‌وهوای خشک و کویری دارد. این امر گویای این موضوع مهم است که برای دستیابی به اشتغال و توسعه پایدار در روستاهای این مناطق، ظرفیت بخش کشاورزی محدود است و می‌باید به دنبال گزینه‌های دیگری برای ایجاد کار و درآمد برای روستاییان بود. تجارب کشورهای موفق همگی مؤید این نکته مهم هستند که ایجاد و گسترش صنایع دستی سهم مهمی - حتی بالاتر از سهم کنونی بخش کشاورزی این کشورها - می‌تواند در ایجاد کار و درآمد برای روستاییان داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تمام جامعه آماری این تحقیق که شامل تعاونی‌ها، زنان روستای میمه و وزوان در استان اصفهان و کارشناسان ادارات جهاد سازندگی، اداره جهاد کشاورزی استان اصفهان و همین‌طور کارآفرینان نخبه و مددکاران جهاد سازندگی و صنایع دستی استان اصفهان هستند به نقش بسیار مهم و اساسی که ایجاد و گسترش صنایع دستی و فناوری‌های متوسط در توسعه اشتغال پایدار در روستاهای اصفهان و ایران می‌تواند داشته باشد، تأکید



هستند که صرف‌نظر از تمامی مزایای عنوان شده برای صنایع روستایی و صنایع دستی و نقش بااهمیت آن در توسعه و پیشرفت جوامع، این صنایع با چالش‌ها و تنگناهای بسیاری روبه‌رو هستند که به قرار زیرند:

جدول ۸

۱ صنایع دستی و روستایی نیز مانند سایر فعالیت‌ها طبق نظریه کرت لویت ۱۰، دارای چرخه حیاتی است که شامل پنج مرحله معرفی، رشد، بلوغ، اشباع و نزول است.

۲ طبق پیش‌بینی‌های سازمان جهانی گردشگری هم‌زمان با بحران جهانی اقتصادی و افزایش تورم در جهان، تعداد گردشگران بین‌الملل به مرور کاهش خواهد



در عقب ماندگی و پایین بودن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محیط روستایی و همچنین تعیین انگیزه‌ها در زمینه‌های ایجادکننده توسعه و جلب مشارکت زنان روستایی در عمران محیط خود.

برخی از هدف‌های توسعه روستایی عبارت است از آگاه‌سازی زنان روستایی، جلب مشارکت آنان، ایجاد هماهنگی و همیاری در جامعه زنان روستایی، توسعه و بهبود مدیریت روستایی و ایجاد نظارت اجتماعی به وسیله آنان. در حقیقت، ضروری است که دست‌کم بخش مهمی از تلاش‌های عمرانی در شهرهای بزرگ انجام نشود و به ایجاد یک «ساختار صحیح در صنایع دستی» مستقیماً در نواحی روستایی و شهرهای کوچک تعلق گیرد. برای یک زن روستایی فرصت کارکردن بزرگ‌ترین نیاز است، بنابراین، باید سعی شود تا مختصات فناوری مناسب برای هر کشور در حال توسعه توسط نظام ارزشی آن جامعه خاص تعیین شود تا راهنمای متخصصان و سازندگان فناوری مناسب روستایی باشد؛ اما این فناوری

می‌کنند. صنایع دستی و صنایع روستایی می‌تواند به وسیله زنان کارآفرین روستایی مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به آمارها و شواهد، فرصت‌های ناشناخته فراوانی در صنایع دستی و صنایع کوچک که در روستاهای ایران وجود دارد و از آنجا که صنایع دستی یک صنعت پویاست و نیازمند عرضه خدمات متنوع و گوناگون است، زنان کارآفرین روستایی می‌توانند با ایده‌های نو و کارآفرینانه ضمن بهره‌برداری از مزیت‌ها و ظرفیت‌های ناشناخته و بالقوه در روستاهای ایران، باعث رونق در صنعت گردشگری و توسعه صنایع کوچک و صنایع دستی روستاهای ایران شوند. همچنین، علل عدم پیشرفت روستاها در ایران عبارت‌اند از: جوان بودن جمعیت روستاها، وضع بد بهداشتی آن‌ها، پایین بودن میزان درآمد، وضع نامناسب تغذیه، پایین بودن میزان سواد به ویژه در بین بانوان و... دستاوردهای این پژوهش حاکی از این است که راهکارهای دستیابی به توسعه روستایی عبارت است از: بررسی علل و عوامل مؤثر

پیشنهادهای

زنان کارآفرین می‌توانند با شناسایی فرصت‌های بکر و ناشناخته موجود در مجموعه فعالیت‌های مرتبط با صنایع دستی و روستایی در سطح استان، اعم از حمل و نقل، تبلیغات و بازاریابی و غیره، با طرح و اجرای ایده‌های بدیع در قالب کسب و کارهای کوچک ضمن ایجاد اشتغال مولد و پایدار برای خود و دیگران کمک مؤثری به رونق صنایع دستی و در نهایت به توسعه پایدار منطقه‌ای در کشور ایران کنند. در این زمینه، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شوند:

- ۱ سرمایه‌گذاری و توسعه فرهنگ کارآفرینانه در کشور
 - ۲ ایجاد تسهیلات برای راه‌اندازی کارگاه‌ها و انجمن‌های فعال فرهنگی و هنری از محل تسهیلات بنگاه‌های زودبازده در صنایع کوچک، روستایی و صنایع دستی
 - ۳ توسعه نقش بخش عمومی و خصوصی با ارائه ایده‌های کارآفرینانه در صنایع دستی
 - ۴ آموزش‌های بدیع، نو و کارآفرینانه به زنان روستایی در عرصه صنایع دستی
 - ۵ تأکید بر کارآفرینی پایدار در توسعه صنایع کوچک، صنایع دستی و روستایی
- توجه به جنبه‌های گوناگون هنرهای سنتی ایرانی از قبیل طرح، نقش، زمینه، آرایه، متن، ظریف‌کاری، نازک‌کاری در احیای طراحی‌های سنتی و تبدیل آن به طرح‌های بدیع و نوآورانه سهم و نقش مهمی را در تولید صنایع دستی دارد. کم‌توجهی به ایده‌پردازی و خلاقیت در طراحی منجر به تکرار نقوش و طرح‌ها و ازدست‌دادن اصالت‌های فرهنگی و هنری، در کلیه محصولات صنایع دستی خواهد بود. شناخت عوامل مؤثر در طراحی و تولید صنایع دستی می‌تواند در تبیین طراحی‌های اشتغال و کارآفرینی با استفاده از جنبه‌ها و ظرفیت‌های گوناگون صنایع دستی بسیار مفید باشد. اهالی روستای میمه و وزوان از استان اصفهان با شناخت ظرفیت‌ها و به‌کارگیری زنان کارآفرین در هنر قالی‌بافی و احیا طرح‌ها و نقوش سنتی فرش‌های منطقه‌ای بلخار، میمه، وزوان و جوشقان با کمک جهاد سازندگی استان اصفهان توانستند توسعه پایدار روستایی را به وجود آورند. تهیه مواد اولیه طبیعی مرغوب در محیط روستا از ظرفیت‌های موجود به شمار می‌آید. شرکت در کلاس‌های آموزشی و جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی طرح‌ها و نقش‌های سنتی فرش منطقه و احیا آن‌ها از یک سو به نوآوری در ایجاد ابداع و تنوع نقوش و طرح‌ها به نیازهای موجود در بازارهای داخلی و خارجی پاسخ مثبت می‌داد. بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ این روستا تا هشتاد درصد سفارش‌ها فرش استان اصفهان را تحت پوشش قرار داد و به میزان ۵ درصد سهم صادرات فرش کشور را با نقوش و طرح‌های زیبای فرش‌ها به خود اختصاص داد.

روستایی می‌تواند یک مختصات عمومی داشته و کوچک، نامتمرکز، صرفه‌جو همراه با منبع محلی و تجدیدپذیر باشد. توجه به تولیدات صنایع دستی از قبیل جاجیم‌بافی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی، پارچه‌بافی، گبه‌بافی که بخش اعظم آن‌ها توسط زنان روستایی تهیه می‌شود، این خصوصیات را در بردارند. این فناوری که کار دائمی و راستین ایجاد می‌کند، هدف آن عرضه احتیاجات اولیه مردم است و باعث خودکفایی جامعه می‌شود و به لحاظ محیطی یک محیط قابل تحمل با کیفیت بالای زندگی ایجاد می‌کند. فناوری مناسب نه تنها باید پاسخی در ارتباط با خواسته‌ها و نیازهای محسوس روستاییان باشد؛ بلکه در عین حال باید حاصل تفحصات و تتبعات و یا تطبیقات علمی و تحقیقی پژوهندگان و متخصصان داخلی کشور باشد؛ بنابراین، لازم است:

- ۱ مبتنی بر گسترش مرزهای دانش و توسعه بینش پژوهشی در آن جامعه باشد.
 - ۲ سازگار با فرهنگ در حال تحول جامعه بهره‌برداران باشد.
 - ۳ انطباق‌پذیر با شرایط طبیعی - اقلیمی محیط بهره‌برداران باشد.
 - ۴ متناسب با شرایط اقتصادی عامه روستاییان باشد.
 - ۵ هماهنگ با امکانات و توان‌های فنی و استعداد فراگیری بهره‌برداران و سرانجام به عنوان ابزاری مشروع و مطلوب باشد.
 - ۶ در خدمت تعالی فرهنگ جامعه متحول بهره‌برداران از آن فناوری‌ها باشد.
- در حقیقت، زنان روستایی می‌توانند با تولید صنایع دستی مانند قالی، جاجیم، گلیم و غیره در کنار وظایف خانه‌داری و کشاورزی و سایر فعالیت‌ها در زمینه کارآفرینی و تولید خلاق در توسعه روستا و توسعه صنعت روستایی نقش آفرینی نمایند.
- برآیند این پژوهش حاکی از این است که با توجه به اهمیت و نقش چشمگیر صنایع دستی در توسعه و تحول اقتصادی در جوامع میزبان و وجود توانمندی‌های بالقوه فراوان در ایران برای توسعه این صنعت و بهره‌مندی از پیامدهای آن، نقش زنان کارآفرین در به‌فعل رساندن این توانمندی‌ها و بهره‌برداری از آن، حائز اهمیت است.

منبع: جلوه هنر